

نور ۸ آذر ۱۳۸۱

دوست نوروز احمد خان صدیعه درزه بخت

بدرود گردن و سپاه صهیانه برای مادن نامه هفت آین که بخط فارسی من فرستاده ام.
 ملائی در تدوین ذریعت اسناد کتاب به انگلیزه همه میں سال در برستان هفت آین کا، یعنی
 بسیار از زیست، ضروری، آنکه میر کرد از دلله مانده اما، آنکه نام و آدم است و میر کر ران محترمان را
 زندگانی میگارد، پیش از این میگذرد: نوروز ۱۳۸۰ نام موضع در بیرون حاصل
 به شفافیت برگزاری صدیعه هفت آین در آنکه بود و مجموعه شعر آن نام موضع در بیرون حاصل
 را در تقدیم خانه هم را می اصلهای بود فرستاده تا ساعت این فرشته خانم به در برستان خودش
 و من دنادر بخود داشت - را نظر ساده داشتم که از آن مجموعه شعر آن نام می باشد
 در مادن نامه جایی نخواهد کرد که نسبت داشت - من لز نشر از نوشته خوانید فرستاد
 سمع در بیرون را به اینها نیز فرمود که لو قول داد به کتاب نیز نوشت که نه خوانید فرستاد
 و اینکه کتاب - ویرانه نامه کارالم را که در سرمه دهون سده و در آن بجا پیش
 می بینید این معرفت - شعر مقصود شنیدم و آن را معرفت نمودم و در آن بجا
 اولیه با خواسته کارم می خواست لازم نداشت -
 خواست در خواسته شخص شنیدم برازی جای خود را مادن نامه هفت آین
 در خواسته متفق شد -

من که در آینه نام اهل سلطان نیستم بودم و در کلاس کوئی نیستم
 و اینکه کوئی وسیع کلاس را در دستان معرفت حصیل ننمایم دوبار در کلاس
 نکس ساله شکم کردم و از کلاس نیشم با ملیحه بر تو (که حالا قائم مرکبات) (و نهادم)
 عالیه کسر را اول می شدم - هر دو در رایخ مدرسه در فست کا نیم و هم ایوان
 خوبی داشتم - میں این ورگ تخفیف از دلایل برخود را اخودست خواسته
 خواسته از نهاده این نیز.

از کلاس نیشم - بخوبی بارم هفت اولین غزل را ساقم وسیع نهادم
 بنام از الله شکم بآفعت اصفهانی که آنمره نزیر قلم را رینگ نگذاشت
 و من ذیم در ذیم دستارم که مستعدان مراد الله عز این نام داده اند -
 و این نهاده این و ملطف من در نهادن:

Saleh Esfahani
63 Gulet Gardens
St. Paul's Court
London W14, 9 DN
207, 4602943
M.K.